

مقایسه ساختار روایت با رویکرد بلاغت در تیمورنامه هاتفی جامی و شاهنامه فردوسی**نیلوفر سادات عبدالهی**

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

چکیده:

هاتفی جامی از شاعران عهد تیموری و شهره به نظیره گوئی است. از میان آثار وی، تیمورنامه، بیش از سایرین قابل اعتناست. از سویی اثری حماسی-تاریخی با دقت و حکمت و اصلاحات در مدت چهل سال سروده شده است به علاوه سرایش اثری با محتوای جدید نسبت به محتوای کمابیش تقلیدی و یکسان کتب غنایی اش، در قیاس با نظامی، هاتفی نوآوری هایی را در حوزه پرداختن به ماجراها و بلاغت سخن، در حین آفرینش اثر نمایان می کند. هر چند شاعر خرگرد، بیش از همه نظامی را پیشوای خود قرار می دهد و قصد دارد چون او خمسه ای بسراید، اما در ساختار روایت در تیمورنامه، اعتنای خاصی به شاهنامه و سبک فردوسی دارد. این توجه ویژه از آنجا نشأت می گیرد که فردوسی نمونه اعلای ساختار در داستان حماسی و در عین حال بیان بلیغ و گیراست. آنچه بیش از همه موجب می شود اثر هاتفی در خور توجه مردم باشد، تقلید او در عین نوآوریست. شاعران بسیاری در تاریخ ادبیات از فردوسی یا نظامی تقلید کرده اند. مقلدان صرف جایگاهی در اذهان مردم نداشته و تنها نامی در کتب تاریخ ادبیات از آنها مانده است و این شعرای مقلد-نوآور هستند که با بهره گیری از آموزه های ادبی و فرهنگی شعرای بزرگ، دست به آفرینش آثاری ارزشمند زده اند که در طول تاریخ نامشان را جاوید ساخته است. در این مقاله به بررسی ساختار روایت در تیمور نامه و شاهنامه فردوسی با تکیه بر ظرایف بلاغی و توجه به نظریه روایت شناسی ولادیمیر پراپ، از بزرگان صورت گرایی روس، که آغازگر روایت شناسی نوین به شمار می رود، پرداخته شده است. هاتفی در سرایش ساختارهای خرد پیرو الگویی روایی است که با نظریه پراپ نزدیکی زیادی دارد. در قیاس این دو اثر تکیه ما بر بلاغت بوده است تا بتوانیم ظرایف فرهنگ و ادب ایرانی را نیز نمایان سازیم.

کلمات کلیدی: هاتفی جامی، تیمورنامه، شاهنامه فردوسی، بلاغت، ولادیمیر پراپ.